

تحلیل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی علیه السلام بر اساس باطن موضوع

عبدالحسین خسروپناه^۱

محمد زارعی^۲

چکیده

یکی از مسائل مهم مرتبط با مهدویت، موضوع «عدالت جهانی و چگونگی اجرای آن» است که دلایل عقلی و نقلی فراوان بر ضرورت تحقق آن وجود دارد. شیوه‌های متداول قضایی که بر شاهد و بینه و امارات تکیه دارند، نتوانسته است عدالت واقعی را به ارمغان آورد. لذا وجود روایات دال بر تحکیم (داوری) امام مهدی علیه السلام به باطن در منابع شیعی، شیوه قضایی جدیدی مبتنی بر «علم فراگیر امام معصوم» را تایید می‌کند. در این تحقیق که با روش کتابخانه‌ای، در استناد و در منبع به روش اسنادی و در تجزیه و تحلیل به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است؛ ضمن طرح یکی از مهم‌ترین اشکالات وارد بر این گونه داوری، از سوی امام مهدی علیه السلام در برخی منابع شیعی (یعنی عدم قطعیت و ضعف راویان این احادیث)؛ به پاسخگویی و دفاع از آن‌ها پرداخته می‌شود. مجموع روایات، مربوط به داوری امام مهدی علیه السلام به باطن را از نظر اعتبار، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: الف) روایاتی که راویان زنجیره سند آن تماماً ثقه و مسند و متصل به معصوم بوده که روایات مذکور به لحاظ سند و دلالت محتوایی قابل استناد؛ ب) روایات مرسل، مجهول یا ضعیف؛ که البته به دلیل تعاضد مضمونی و عدم امکان داعیه دروغ‌گویی در این موضوع، می‌توان آن‌ها را مورد توجه قرار داد. در نتیجه با توجه به این‌که سند ده روایت، متصل و صحیح و موثق است و دیگر اخبار مربوط نیز موید این دیدگاه است؛ می‌توان اذعان کرد که اخبار باب تحکیم داوودی امام مهدی علیه السلام و اسانید روایات، مستفیض است و مستند روایی باب را تامین می‌کند. واژگان کلیدی: عدالت، علم امام، داوری بر اساس باطن، سند، توثیق.

۱. استاد گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی khosropanahdezfuli@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (نویسنده مسئول) m.zarei1359@yahoo.com

مقدمه

یکی از موضوعات شایسته پژوهش در حوزه مهدویت، عدالت‌گستری امام مهدی علیه السلام و چگونگی گسترش عدالت توسط آن حضرت در گستره جهانی می‌باشد. احادیث منقول از اهل بیت علیهم السلام نقش پررنگی در ارائه این زمینه دارد. پاره‌ای از این احادیث، به چگونگی گسترش عدالت توسط امام مهدی علیه السلام پرداخته است. در این میان، احادیثی که به حکم کردن امام بر اساس باطن اختصاص دارد، موضوع قابل ملاحظه‌ای برای کشف راه‌های گسترش عدالت نیز می‌باشد. از سوی دیگر تبیین این احادیث و ارائه معنای درست از آن خود مسئله‌ای چالش‌زا است. مضافاً این‌که ضعف سندی برخی از آن‌ها مشکل را دوچندان می‌کند. حکم بر اساس باطن را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «قضاوت در دعاوی با آگاهی از واقع و علم خود به حقیقت (علم لدنی) و عدم اعتماد به ظاهر (قزوینی، ۱۴۲۷: ص ۵۸۷)؛ یعنی قاضی استفاده از اسباب و وسایط و شواهد ظاهری را لازم نداند و نهایتاً بر اساس واقع حکم کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۰۳).

پیشینه تحقیق

برخی در کتاب‌های خود به شیوه خاص قضاوت امام مهدی علیه السلام (بدون شاهد و بینه) اشاره نموده و برخی علاوه بر آن، این نظریه را به نصوص فراوان، مستند می‌کنند، بدون این‌که به بررسی سندی آن‌ها اشاره‌ای داشته باشند

- محمد جمیل حمود الفوائد البهیئه فی شرح العقائد الامامیه (حمود، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۲۴۵) محمدتقی مجلسی در روضة المتقین (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۵۹) و در کتاب لوامع صاحبقرانی (همان، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۷۲۴-۷۲۵).

- طبرسی در اعلام الوری طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۷: ص ۴۷۷) ضمن تشکیک ابتدایی در روایات حکم داوودی، تنها به دفاع از آن در برابر شبهات (اهل سنت)، با تاویل «حکم داوودی» به عمل نمودن حضرت طبق علم شخصی پرداخته است.

- کامل سلیمان در کتاب یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام (سلیمان، ۱۴۲۷: ص ۳۳۵) ضمن معنا کردن حکم داوودی، به کسانی که روایات حکم داوودی حضرت را انکار می‌کنند، انتقاد کرده است.



- سید محمد صدر در کتاب تاریخ پس از ظهور، ص ۳۸۸، بیش تر به ذکر دلایل اجرا یا عدم اجرای حکم به واقع از طرف ائمه علیهم السلام قبل و بعد از ظهور می پردازد.
- اما شاید بیش ترین دفاع از موضوع حکم داوودی را بتوان در کتاب دولت کریمه امام زمان علیه السلام، اثر سید مرتضی سیستانی، مشاهده کرد. با این همه، ایشان به بررسی سندی احادیث و نقل دیدگاه های بزرگان در این باره اشاره نکرده است.
علاوه بر کتاب های یاد شده، مقالاتی را می توان یافت که در آن ها به موضوع حکم بر اساس باطن اشاره است:

- مقاله «دفاع از روایات مهدویت (حسینیان قمی، ۱۳۸۴: ص ۲۳۲)؛

- مقاله «سیره مهدوی و دولت منتظر» (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ص ۳۳-۶۲)؛

نویسند در این مقاله حکم به باطن را از وجوه اختصاصی سیره حضرت شمرده بدون این که به بررسی نقدی موضوع بپردازند؛

- مقاله «امام مهدی احیاگر شریعت» (آیتی؛ ۱۳۸۶؛ ص ۲۹-۵۷) نگارنده این مقاله بیش تر در صدد پاسخگویی به شبهات مطرح در تفاوت سیره امام مهدی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون بررسی سندی روایات می باشد.

پژوهش پیش رو در صدد است ضمن بر شمردن احادیثی که به نحوی گویای داوری امام بر اساس باطن هستند؛ اجرای حکم به باطن آن ها را از نظر سندی مورد بررسی قرار دهد؛ چرا که با پذیرش مستندات روایی این باب و قبول اجرای شیوه قضایی خاص، بدون نیاز به شاهد و بینه، لزوم ارتباط معنا دار بین محتوای احادیث «حکم به باطن» و «عدالت گستری جهانی امام مهدی علیه السلام» ضروری به نظر می رسد.

تبیین اشکال

همان طور که اشاره شد، در بین روایات مهدویت، احادیثی وجود دارد که گویای قضاوت ویژه و خاص امام مهدی علیه السلام در دوران ظهور است. در این شیوه، قضاوت بر اساس باطن امور انجام می گیرد و امام با استفاده از علم الهی، بدون طلب شاهد و بینه قضاوت می کند.

این دسته روایات، به دلیل وجود چند روایت ضعیف در بین آن ها، مورد انکار و اشکال قرار گرفته است.



یکی از اشکالات مطرح شده از جانب علمای امامیه بر احادیث حکم داوودی؛ غیر مقطوع بودن این موضوع و ضعف سندی آن هاست که معمولاً آن را به کلام مرحوم طبرسی استناد می‌کنند. ایشان در کتاب اعلام الوری در جواب شبهات مطرح از جانب اهل سنت که روایات مربوط به حکم داوودی را نسخ شریعت و ابطال احکام آن می‌دانند؛ می‌نویسد:

و أما ما روی من أنه ﷺ يحكم بحكم داوود لا يسأل عن بينة فهذا أيضا غير مقطوع به، و إن صح فتأويله: أنه يحكم بعلمه فيما يعلمه، و إذا علم الإمام أو الحاكم أمرا من الامور فعليه أن يحكم بعلمه و لا يسأل البينة، و ليس في هذا نسخ للشريعة...؛ اما آنچه در روایت آمده که امام زمان ﷺ مانند آل داوود قضاوت می‌کند و تاخضای بینه نمی‌کند؛ این، قطعی نیست و اگر درست باشد، حاشا بر این است که در مواردی که علم دارد، طبق علمش حکم می‌کند. قانون چنین است که امام و حاکم در مواردی که علم به موضوع دارند، باید طبق علمشان حکم کنند و بینه نخواهند و این، نسخ قانون شریعت و دین نیست [و در م]ام قضاوت باید با بینه و سوگند حکم صادر کرد [طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۱].

به‌کار بردن کلمه «غیر مقطوع به» ظاهراً اشاره به این است که خبر متواتر یا واحد با قرینه قطعی همراه نیست. ایشان مانند گروه کمی از عالمان شیعه به عدم حجیت خبر واحد معتقد است. لذا اخبار دال بر این نکته را که امام در زمان ظهور به واقع حکم می‌کند؛ نمی‌پذیرد و در آن تشکیک می‌کند (حسینیان قمی، ۱۳۸۴: ص ۲۳۲).

یکی از معاصرین ضمن نقل روایتی در زمینه نحوه این قضاوت و حکم داوودی امام مهدی ﷺ (نعمانی ۱۳۹۷: ص ۲۳۳) با اشکال و تضعیف سندی آن‌ها، نقل این‌گونه روایات را جز برای نقد و بررسی، حرام و از مصادیق اعانت بر اثم، اشاعه فحشا و اضلال مسلمانان دانسته است و نهایتاً ضمن اشکال سندی به این گونه احادیث می‌نویسد:

این‌ها چند نمونه از فردی مجهول الهویه است، که احادیثی را جعل کرده و بدون ذکر سند (به صورت مرسل) به معصومین عليهم السلام نسبت داده است (مهدی‌پور، ۱۳۸۳: ص ۸۰-۱۳۰).



گونه شناسی سندی روایات مهدویت

روایات مهدویت از نظر سندی به دو دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. روایاتی که متواتر، موثق و صحیح و از نظر سندی قابل اعتماد است و اشکال ضعف سند و دلالت ندارد.

۲. روایاتی که به رغم ضعف سندی، مخالف شرع و روایات صحیح نبوده و با روایات صحیح السند دارای تعاضد مضمونی است. در مورد این دسته روایات، نمی‌توان به سرعت آن‌ها را انکار کرد و از کنار آن‌ها به سادگی گذشت، بلکه قابل اعتنا بوده و می‌توان از آن‌ها در تایید و تقویت روایات صحیح کمک گرفت.

۱. بررسی سندی احادیث حکم امام به باطن (حکم داوودی)

مجموع روایات مربوط به حکم امام علیه السلام به باطن از نظر اعتبار، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته نخست: روایاتی که راویان زنجیره سند آن تماماً ثقه و مسند و پیوسته از معصوم علیه السلام گزارش شده است. این دسته روایات ده حدیث را شامل می‌شود و این احادیث به لحاظ سند و دلالت محتوایی قابل استنادند. این احادیث عبارتند از:

حدیث اول

علی بن ابراهیم به نقل از پدرش، از ابن ابی عمیر، از منصور، از فضل الاعور و وی از ابو عبیده حذاء چنین نقل می‌کند:

ما در زمان امام باقر علیه السلام (برای تعیین جانشین او) مانند گله بی‌چوپان سرگردان بودیم، این که تا سالم بن ابی حفصه را (که بعداً زیدی مذهب شد و امام صادق علیه السلام او را لعن و تکفیر کرد) ملاقات کردیم؛ به من گفت: ای ابا عبیده! امام تو کیست؟ گفتم: ائمه من، آل محمد هستند. گفت: هلاک شدی و مردم را هم هلاک کردی! مگر من و تو از امام باقر علیه السلام نشنیدیم که می‌فرمود: هر که بمیرد و بر او امامی نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است؟! گفتم: چرا به جان خودم چنین است. سپس حدود سه روز گذشت که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و خدا معرفت او را به من روزی کرد (او را به جانشینی شناختم) به حضرت عرض کردم: سالم به من چنین و چنان گفت... حضرت فرمود: «یا



أَبَا عَبِيدَةَ إِنَّهُ لَمْ يَمْنَعْ مَا أُعْطِيَ دَاوُودَ أَنْ أُعْطِيَ سُلَيْمَانَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عَبِيدَةَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَةَ؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۹۷)؛ ای ابا عبیده! معنی ندارد آنچه که به داود عطا شده به سلیمان نیز عطا شده باشد [پس مقام و فضیلتی را که خدا به پدرم عطا فرمود، به من نیز عطا می فرماید] سپس فرمود: ای ابا عبیده! زمانی که قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیام کند، به حکم داوود و سلیمان حکم دهد و گواه نطلبد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۹۷).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. علی بن ابراهیم: ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، از بزرگان امامی است و ثقه می باشد (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۲۶۰).
 ۲. ابراهیم بن هاشم قم (ابیه): ابواسحاق ابراهیم بن هاشم کوفی قمی، از بزرگان امامی و از راویان قرن سوم به شمار می آید. برخی شک در وثاقت وی را شایسته نمی دانند (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۳۲۶ و برقی، ۱۴۲۰: ص ۴۹).
 ۳. ابن ابی عمیر: ابو احمد محمد بن زیاد بن عیسی ازدی، به ابن ابی عمیر یا محمد بن ابی عمیر مشهور است. تقی الدین حلی وی را از موثق ترین مردم نزد خاصه و عامه شمرده است (حلی، بی تا: ص ۲۸۷).
 ۴. منصور: ابویحیی منصور بن یونس بزرج، علمای رجال وی را از اصحاب امام صادق و امام کاظم عَلَيْهِمَا السَّلَام شمرده اند و ثقه می باشد (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۴۱۲-۴۱۳، ش ۱۱۰۰).
 ۵. فضل الاعور: وی ثقه و از اصحاب امام باقر و صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام شمرده شده است (همان: ص ۳۰۸، ش ۸۴۱).
 ۶. ابو عبیده الحذاء: زیاد بن عیسی، معروف به ابو عبیده حذاء، ثقه و از اصحاب امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام شمرده شده و از آن بزرگواران روایات زیادی گزارش کرده است (همان: ص ۱۷۰، ش ۴۴۹).
- نتیجه ارزیابی سند مذکور: برخوردار بودن از پیوستگی نقل و موثق بودن تمامی راویان سند.

حدیث دوم

این حدیث مشابه حدیث قبلی است؛ با چند تفاوت: ۱. تفاوت در برخی روایات؛ ۲. اضافه شدن کلمه «الناس» در متن حدیث؛ ۳. تفاوت در کتاب‌های حدیثی. یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از منصور از فضیل، از ابو عبیده حذاء، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در ضمن حدیثی فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَ سَلِيمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَهُ؛ وقتی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام فرماید، مانند داوود و سلیمان علیهما السلام حکم کند و بینه و شاهد از مردم نمی‌خواهد (صفار، ۱۴۰۴: ص ۲۵۹، ح ۵ و حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۴۱).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. یعقوب بن یزید: وی ثقة می‌باشد (حلی، بی تا: ص ۳۷۹، ش ۱۷۰۰).
 ۲. در خصوص ابن ابی عمیر، منصور بن یونس، فضیل الاعور و ابو عبیده و الحذاء در حدیث قبل گذشت.
 از مجموع یافته‌های رجالی و نیز بررسی طبقه‌شناسی سند مذکور، اتصال سند و وثاقت تمامی راویان در سند استفاده می‌شود و لذا سند معتبر و صحیح است.

حدیث سوم

محمد بن حسن بن احمد، از محمد بن حسن صفار، از یعقوب بن یزید، از محمد بن ابی عمیر، از ابان بن تغلب نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

سَيَأْتِي فِي مَسْجِدِكُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا... فَيَبِيعُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رِيحًا قَتْنَادِي بِكُلِّ وَادٍ هَذَا الْمُهْدِي يُقْضَى بِقَضَاءِ دَاوُودَ وَ سَلِيمَانَ عليهما السلام وَ لَمَّا يَرِيْدُ عَلَيْهِ بَيْتَهُ؛ در همین مسجد شما، یعنی در مکه به زودی سیصد و سیزده مرد می‌آیند که اهل مکه به خوبی می‌دانند آن‌ها را پدران و نیاکان آنان به دنیا نیاورده‌اند [آن‌ها را نمی‌شناسند]. به دست آن‌ها شمشیرهایی است که بر هر کدام آن‌ها کلمه‌ای نوشته شده که هزار کلمه از آن گشوده می‌شود. پس، خداوند بادی می‌فرستد تا در هر وادی صدا بزند که این مهدی است و به روش داوود و سلیمان علیهما السلام قضاوت می‌کند و برای حکم خود بینه و شاهد نمی‌طلبد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷).



بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

- طریق شیخ صدوق به ابان بن تغلب به واسطه عده‌ای از مشایخ حدیث واقع شده و مشایخ واسطه تا ابان بن تغلب عبارتند از:
۱. محمد بن حسن بن احمد بن ولید: نجاشی برای وی دوبار کلمه «ثقه» را به‌کار برده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۳۸۳).
 ۲. محمد بن حسن صفار: وی ثقه می‌باشد (همان: ص ۳۵۴).
 ۳. در خصوص یعقوب بن یزیدو محمد بن ابی عمیر، گذشت.
 ۴. ابان بن عثمان: علامه حلی قبول روایات وی را اقرب دانسته (حلی، ۱۴۱۷: ص ۲۱) و آیت الله خویی نیز وی را توثیق نموده است (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۶۱).
 ۵. ابان بن تغلب: شیخ طوسی او را از اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام (طوسی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۹، ش ۱۰۶۶؛ ص ۱۲۶، ش ۱۲۶۵) و ثقه دانسته است (طوسی، بی‌تا: ص ۴۴).
- با توجه به آنچه گذشت تمامی راویان سند از بزرگان امامیه می‌باشند و حدیث به‌صورت مسند و متصل، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است.

حدیث چهارم

محمد بن حسن بن احمد، از محمد بن حسن صفار، از یعقوب بن یزید، از محمد بن ابی عمیر، از ابان بن تغلب نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

دَمَانِ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم‌السلام فَيَحْكُمُ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا يَرِيدُ عَلَى ذَلِكَ بَيْنَةَ الزَّائِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ رَقَبَتَهُ؛ در اسلام دو خون مباح است که احدی به حکم خدای عز و جل در مورد آنها قضاوت نمی‌کند؛ تا این که خداوند امام قائم را بر انگیزد و او به حکم خدای عز و جل در آن حکم کند؛ اما بینة نمی‌خواهد: یکی زانی محصن است که او را سنگسار می‌کند و دیگری مانع الزکاة است که او را گردن می‌زند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۲۱).



بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

با توجه به این که راویان سند این حدیث، همان راویان حدیث گذشته می‌باشند، از تکرار آن اجتناب می‌شود.

حدیث پنجم

محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از محمد بن سنان، از ابان نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَكَأَيُّ سَأَلٍ بَيْنَةً
يُعْطَىٰ كُلُّ نَفْسٍ حَقَّهَا؛ دنیا سپری نمی‌گردد تا مردی از [نسل] من خروج کند و به
حکومت آل داوود علیه السلام حکومت نماید و بینة نطلبد و حق هر ذی حی را به وی
رساند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۹۸).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. محمد بن یحیی: گذشت.

۲. احمد بن محمد: احمد بن محمد، در این طبقه مشترک است بین احمد بن محمد بن خالد برقی و احمد بن محمد بن عیسی اشعری. هر دو ثقه و از محدثان پر حدیث امامیه به شمار می‌آیند (خویی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۴۹-۵۱).

مراد از احمد بن محمد در سند مذکور احمد بن محمد بن عیسی اشعری است به قرینه کثرت روایات محمد بن یحیی از او و نیز فراوانی روایات او از محمد بن سنان.

۳. محمد بن سنان: در منابع رجالی دو نفر با نام محمد بن سنان مطرح هستند. تنها تفاوت در نسبت و جد آن دو است: ۱. محمد بن - حسن بن - سنان زاهری که مورد بحث ما است؛ ۲. محمد بن سنان بن ظریف هاشمی. در باره شخصیت محمد بن سنان در میان رجالیان اختلاف دیدگاه است. برخی به علت غلو، و جاده‌ای بودن روایات او، اعتراف به نقل معضلات، کذاب و جاعل حدیث بودن، او را تضعیف کرده‌اند. در مقابل، عده‌ای او را توثیق و از خواص واصحاب سرائمه علیه السلام و از یاران نزدیک ایشان می‌دانند (بحر العلوم، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۲۴۷-۲۷۷ و حائری، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۶۵-۶۷)؛ و برخی نیز در توثیق و تضعیف وی توقف کرده‌اند (حلی ۱۴۱۷: ص ۳۹۴).



اما در جمع بندی دیدگاه‌های رجالی مختلف می‌توان به وثاقت وی پی برد؛ همچنان‌که برخی متأخرین^۱ در مورد وی اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اند:

(الف) دیدگاه بیش‌تر اندیشمندان در مورد وی به سه دوره تقسیم می‌شود: نظر بیش‌تر قدما تا عصر علامه حلی، بر تردید یا توقف است. متأخران از زمان شهید ثانی تا دوره مجلسی اول بر تضعیف او و از مجلسی اول تا دوره معاصر بر توثیق محمد بن سنان نظر دارند.

(ب) غلو، کذب، وجاده بودن و وضع حدیث را دلایل تضعیف محمد بن سنان دانسته‌اند که البته هیچ‌یک قابل اثبات نیست.

(ج) برخی از توثیقات عام، محمد بن سنان را در بر گرفته و به وثاقت وی انجامیده است.

(د) با توجه به شواهد و قراین متعدد، محمد بن سنان از یاران خاص امام رضا و امام جواد علیهما السلام و همنشین اصحاب جلیل‌القدر ایشان بوده است (مهدوی راد و دیگران، پاییز و زمستان ۱۳۹۱: شماره ۸).

۴. ابان: ابان بین ابان بن تغلب که در سال ۱۴۱ق در حیات امام صادق علیه السلام در گذشت و ابان بن عثمان احمری، متوفای سال ۲۰۰ق مشترک است. مراد از ابان در سند الکافی، ابان بن عثمان احمری است. به قرینه کثرت روایات محمد بن سنان از او. توثیق آن دو، در مباحث پیش‌تر گذشت. این حدیث که در الکافی نقل شده، مسند و پیوسته است و تمامی راویان آن ثقة‌اند.

حدیث ششم

مرحوم صفار حدیثی مشابه حدیث گذشته بیان نموده که در آخر حدیث به‌جای کلمه «حقها»، «حکمها» آمده است:

۱. آیت‌الله شبیری در درس خارج رجال، پس از بیان نظریات مختلف، به دفاع از ایشان پرداخته و می‌گوید: «نتیجه این‌که باید محمد بن سنان را جزء روات جلیل و بزرگوار بدانیم. به تعبیر سید بحر العلوم، گناه محمد بن سنان شهرت و موقعیت بزرگ او بوده که موجب شده است دیگران نکاتی منفی در مورد او بگویند و شخصیت او را خدشه دار کنند»

<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry/rejal/62/038>

احمد بن محمد، از محمد بن سنان، از ابان نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي رَجُلٌ يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ عَن بَيْنَةٍ يَعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا؛ دنیا (به پایان نمی‌رسد) تا مردی از انسلصه من خروج نماید که با حکم آل داوود حکم کند و از مردم شاهد نخواهد و به هر کس حکمش را عطا کند (صفار، ۱۴۰۴: ص ۲۵۸).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. احمد بن محمد: همان طور که ذکر شد، وی ثقه می‌باشد.
۲. ابن سنان: مراد از ابن سنان در خبر، چنان‌که پیش‌تر گذشت، محمد بن سنان زاهری است که فراوان از ابان بن عثمان روایت نقل کرده و طبق نقل سید بحر العلوم و محمد بن اسماعیل حائری ثقه و از اصحاب سر ائمه علیهم السلام می‌باشد.
۳. ابان: چنان‌که قبلاً گذشت، مراد، ابان بن عثمان احمری است. سند مذکور همانند سند پیشین مسند و راویان آن ثقه‌اند.

حدیث هفتم

عبدالله بن جعفر، از محمد بن عیسی، از یونس، از حریر نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَةً؛ دنیا (به پایان نمی‌رسد)، تا مردی از ما اهل بیت خروج نماید که با حکم داوود حکم کند و از مردم شاهد نخواهد (همان: ص ۲۵۹).

این روایت مشابه روایت گذشته است با چند تفاوت: ۱. راویان حدیث؛ ۲. تفاوت در متن حدیث (کلمات لن، بحکم، منا اهل البیت، داوود، الناس و ادامه نداشتن حدیث).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. عبدالله بن جعفر: از وی روایات زیادی در بصائر الدرجات از محمد بن عیسی گزارش شده، وی ثقه می‌باشد (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۲۱۹ و ۵۷۳).
۲. محمد بن عیسی: وی را فقیهی جلیل‌القدر، ثقه، عین، کثیرالروایة، حسن‌التصانیف



وصف کرده‌اند (همان: ص ۳۳۳).

۳. یونس: شیخ طوسی وی را توثیق نموده است (طوسی، ۱۳۸۱: ص ۳۴۶).

۴. حریر بن عبدالله سجستانی: شیخ طوسی (طوسی، بی تا: ص ۶۲-۶۳) و برخی از فقها (مجلسی، ۱۴۲۰: ص ۵۳)، وی را توثیق کرده‌اند و نقل روایت حماد بن عیسی از

حریر بن عبدالله، دلیل بر وثاقت حریر است (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۱۷۳).

با توجه به مطالب پیشین، سند مذکور به گونه مسند و پیوسته، توسط راویان امامی ثقه، از امام صادق علیه السلام گزارش شده است.

حدیث هشتم

محمد بن عیسی، از احمد بن محمد، از حسن بن محبوب، از هشام بن سالم، از عمار ساباطی، چنین نقل می‌کند:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بِمَا تَحْكُمُونَ إِذَا حَكَمْتُمْ قَالَ بِحُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ دَاوُدَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْنَا الشَّيْءُ الَّذِي لَيْسَ عِنْدَنَا تَلْقَانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ؛ هرگاه شما حاکم شوید، چگونه حکم کنید؟ فرمودند: طبق حکم خدا و حکم داوود، و هرگاه موضوعی برای ما پیش آید که نزد ما نباشد، روح القدس آن را به ما القا کند و برساند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۹۸).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. محمد: وی محمد بن یحیی العطار است که پیش تر گذشت.

۲. احمد بن محمد: وی احمد بن محمد بن عیسی اشعری است، به قرینه کثرت روایات وی از ابن محبوب، راجع به او در سندهای پیشین گذشت.

۳. ابن محبوب: وی از جمله راویان شیعی نیمه دوم قرن دوم هجری و ثقه می‌باشد (طوسی، بی تا: ص ۱۲۲).

۴. هشام بن سالم: ابو الحکم هشام بن سالم جوالیقی، از محدثان امامیه است. رجالیان او را توثیق کرده‌اند و او از اصحاب امام صادق و کاظم علیه السلام به شمار می‌آید (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵ و طوسی، ۱۴۰۴: ص ۵۰۱-۵۰۳).

۵. عمار السباطی: علمای رجال او را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۲۹۰).



سند مذکور مسند و از اتصال و پیوستگی زنجیره سند برخوردار است و تمامی راویان سند ثقه‌اند.

حدیث نهم

احمد بن محمد، از حسن بن محبوب، از هشام بن سالم، از عمار ساباطی یا غیر ایشان نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

فَبِمَا تَحْكُمُونَ إِذَا حَكَمْتُمْ فَقَالَ بِحُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ دَاوُودَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْنَا مَا لَيْسَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ وَ أَلْهَمَنَا اللَّهُ إِلْهَامًا؛ به هنگام داوری مستند شما چیست؟ امام فرمود: حکم خدا و حکم داوود و حکم محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هرگاه با چیزی رو به رو شویم که در کتاب علی نیست، روح القدس به ما الهام می‌کند و خداوند الهام می‌نماید (صفر، ۱۴۰۴: ص ۴۵۲).

این روایت مشابه روایت گذشته است، با چند تفاوت در متن حدیث (اضافه شدن کلمات «حکم الله» و «حکم محمد» و جملات «مَا لَيْسَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ» و «أَلْهَمَنَا اللَّهُ إِلْهَامًا»).

بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

سند بصائر الدرجات همان سند ذکر شده از کافی است که توثیق راویان آن گذشت.

حدیث دهم

محمد بن حسین، از صفوان بن یحیی، از ابو خالد قماط، از حمران بن اعین نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

فَبِمَا تَحْكُمُونَ قَالَ بِحُكْمِ آلِ دَاوُودَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْنَا شَيْءٌ لَيْسَ عِنْدَنَا تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ؛ ... شما به چه چیزی حکم می‌کنید؟ فرمودند: به حکم آل داوود حکم می‌کنیم. پس، هرگاه موضوعی برای ما پیش آید که نزد ما نباشد، روح القدس آن را به ما الهام کند و برساند (همان: ص ۴۵۲).



بررسی وثاقت و اتصال راویان حدیث

۱. محمد بن الحسین: راجع به او گذشت.
 ۲. صفوان بن یحیی: به گفته شیخ طوسی، وی و چند تن دیگر فقط از افراد ثقه، روایت نقل می‌کنند. از این رو، روایات مرسل آن‌ها در حکم مسند است: «انهم لایروون و لایرسلون الا عمّن یوثق به» (طوسی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۱۵۴).
 ۳. ابی خالد القمطاط: وی یزید ابو خالد القمطاط کوفی است. علمای رجال وی را ثقه و از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۴۵۲).
 ۴. حمران بن اعین: در مورد وی گذشت.
- بررسی‌های رجالی سند مذکور، گویای اتصال سند و نیز اعتبار و وثاقت راویان سند و نیز سند صحیح است.

جمع بندی احادیث دسته اول

سند ده روایت باب، متصل و صحیح و موثق است:

۱. احادیث اول تا ششم به دلیل این‌که دارای برخی راویان احادیث مشترک هستند، همگی یک طریق محسوب می‌شوند.
 ۲. تمام راویان هر کدام از احادیث هفتم و دهم نیز متفاوت هستند و به طرق مختلف از امام معصوم علیه السلام حدیث نقل نموده‌اند.
- در نتیجه طرق متفاوت، مضمون اخبار حکم داوودی یا حکم بر اساس باطن را گزارش کرده‌اند که با توجه به طرق متفاوت، می‌توان ادعا کرد مضمون اخبار حکم بر اساس باطن، به «حد استفاضه»^۱ رسیده و بسیاری از بزرگان شیعه تصریح کرده‌اند که وقتی روایتی «مستفیض» شد، به بررسی سندی نیازی ندارد؛ از جمله صاحب جواهر می‌نویسد:

۱. مقصود از «مستفیض»، در دانش درایه، خبری است که روات آن در هر طبقه، زیاد باشد و اکثر علما، زیادی بر سه نفر را در هر طبقه معتبر دانسته‌اند و برخی دیگر، زیادی بر دو نفر را. بنا بر تعریف اول، هر خبری را که سه نفر روایت کنند، مستفیض است (عبد الله مامقانی، ۱۳۱۱: ج ۱، ص ۱۲۸ و مهدی الکجوری الشیرازی، ۱۴۲۴: ص ۱۸۲-۱۸۳).

فلا ريب في استفاضتها بحيث تستغنى عن ملاحظة السند كما هو واضح تردیدی در مستفیض بودن سند آن نیست؛ به طوری که ما را از ملاحظه سند روایت بی نیاز می کند؛ چنان که این مطلب آشکار است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۲۸۶). در نتیجه این دسته روایات، مستند روایی باب را تامین می نماید.

۲ بررسی سندی احادیث حکم امام به باطل

دسته دوم، روایاتی که مرسل، مجهول یا ضعیف هستند، هرچند برخی اسانید آن ها «مسند» است.

منظور از «حدیث مرسل» حدیثی است که دچار ارسال و حذف اسناد باشد؛ اعم از این که همه راویان، یا شماری از آنان حذف شده باشند (مامقانی، ۱۳۱۱: ج ۱، ص ۳۳۸) که شامل مرفوع، موقوف، مقطوع، معلق، منقطع و معضل می شود.

«حدیث مجهول» حدیثی که نام بعضی از راویان آن در کتاب های رجال باشد؛ ولی هیچ وصفی از آن نیامده باشد - نه مدح و نه ذم - و حال آن ها از نظر عقیده معلوم نباشد (همان: ص ۳۹۷).

جدول روایات مرسل و ضعیف

ردیف	معصوم	متن روایت	منبع	ارزیابی
۱	امام صادق <small>علیه السلام</small>	كَأَنِّي بِطَائِرٍ أبيضَ فَوْقَ الْحَجَرِ فَيَخْرُجُ مِنْ تَحْتِهِ رَجُلٌ يَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ آلِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ وَ لَا يَتَّبِعِي بَيِّنَةً	قطب الدین سعید راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، الدین راوندی تا سعد اشعری مشخص نیست. ص ۸۶۰.	علیرغم توثیق راویان، فاصله راویان بین قطب الدین راوندی تا سعد اشعری مشخص نیست.
۲	امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	سَأَلْتُ عَنِ الْإِمَامِ إِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُودَ <small>علیه السلام</small> لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ	قطب الدین سعید راوندی، دعوات، ص ۲۰۹، ج ۵۶۷.	به گونه ارسال روایت شده و در شمار احادیث ضعیف است.



ردیف	معصوم	متن روایت	منبع	ارزیابی
۳	امام صادق <small>علیه السلام</small>	إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ <small>عليه السلام</small> حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ لَا يَخْتِاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بَعْلَمَهُ وَيُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وِلْيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ	محمد بن محمد بن نعمان (مفيد)، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.	مرسل
۴	امام باقر <small>علیه السلام</small>	يَقْضِي الْقَائِمُ بِقَضَايَا يَنْكِرُهَا بَعْضُ أَصْحَابِهِ مِمَّنْ قَدْ ضَرَبَ قُدَامَهُ بِالسَّيْفِ وَهُوَ قَضَاءُ أَدَمَ فَيَقْدِمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ، ثُمَّ يَقْضِي الثَّانِيَةَ فَيَنْكِرُهَا قَوْمٌ آخَرُونَ مِمَّنْ قَدْ ضَرَبَ قُدَامَهُ بِالسَّيْفِ وَهُوَ قَضَاءُ دَاوُودَ فَيَقْدِمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ يَقْضِي الثَّلَاثَةَ فَيَنْكِرُهَا قَوْمٌ آخَرُونَ مِمَّنْ قَدْ ضَرَبَ قُدَامَهُ بِالسَّيْفِ وَهُوَ قَضَاءُ إِبْرَاهِيمَ فَيَقْدِمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ، ثُمَّ يَقْضِي الرَّابِعَةَ وَهُوَ قَضَاءُ مُحَمَّدٍ فَلَا يَنْكِرُهَا أَحَدٌ عَلَيْهِ	محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۸۹، ج ۲۰۷.	مرسل
۵	امام صادق <small>علیه السلام</small>	سَبَّعَتْ اللَّهُ ثَلَاثِمَائَةَ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَيَّ مَسْجِدٍ بِمَكَّةَ يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُمْ لَمْ يُوَلَدُوا مِنْ آبَائِهِمْ وَ لَا أجدَادِهِمْ عَلَيْهِمْ سَيُوفٌ مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا أَلْفٌ كَلِمَةٍ كُلُّ كَلِمَةٍ مِفْتَاحُ أَلْفِ كَلِمَةٍ وَ يَبْعَثُ اللَّهُ الرِّيحَ مِنْ كُلِّ وادٍ تَقُولُ هَذَا الْمَهْدِيُّ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَ لَا يُرِيدُ بَيِّنَةً	محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۳۱۴-۳۱۵	مرسل و ضعيف
۶	امام باقر <small>علیه السلام</small>	إِنَّهُ أَنَّهُمْ زَوْجَتَهُ بَعْدَهُ فَنَقَرَ رَأْسَهَا وَ أَرَادَ أَنْ يُلَاعِنَهَا عِنْدِي فَقَالَ لَهَا بَيْنِي وَ بَيْنِكَ مَنْ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَ آلِ دَاوُودَ وَ يَعْرِفُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ لَا يَخْتِاجُ إِلَيَّ شُهُودٍ فَأَخْبَرْتُهُ أَنَّ الَّذِي ظَنَّ بِهَا لَمْ يَكُنْ كَمَا ظَنَّ فَانْصَرَفَا عَلَيَّ صَلِحَ	قطب الدين سعيد راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱.	مرسل و ضعيف



ردیف	معصوم	متن روایت	منبع	ارزیابی
۷	نا مشخص	إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ... وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ ﷺ	محمد بن محمد بن نعمان (مفید)، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.	مرسل و موقوف
۸	امام صادق <small>علیه السلام</small>	دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيِّنَةَ الرَّائِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الرِّكَاتِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ	محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۰۳.	ضعف راویان
۹	امام سجاد <small>علیه السلام</small>	سَأَلْتُهُ يَا أَيُّ حُكْمٍ تَحْكُمُونَ قَالَ حُكْمُ آلِ دَاوُودَ فَإِنْ أَعْيَانَا شَيْءٌ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ	محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۸	به دلیل وجود راویان مجهول سند ضعیف است
۱۰	امام صادق <small>علیه السلام</small>	قَالَ فِيمَا تَحْكُمُونَ قَالَ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ حُكْمِ آلِ دَاوُودَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ يَتَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ	کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۸	سندی پیوسته ولی برخی راویان ضعیف می باشند
۱۱	امام صادق <small>علیه السلام</small>	سَيَأْتِي مِنْ مَسْجِدِكُمْ هَذَا يَعْنِي مَكَّةَ ثَلَاثِينَ مِائَةً وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْهُمْ أَبَاؤُهُمْ وَ لَأَ أَجْدَادُهُمْ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَيَّ كُلِّ سَيْفٍ كَلِمَةٌ يَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ تَبَعْتُ الرِّيحَ فَتَنَادِي بِكُلِّ وَادٍ هَذَا الْمَهْدِيُّ هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ آلِ دَاوُودَ وَ لَا يَسْأَلُ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ	محمد بن حسن صفار، بصائر الصدرجات، ج ۱، ص ۳۱۱.	هرچند برخی راویان آن متهم به غلو و تضعیف شده اند اما زنجیره سند پیوسته و متصل است
۱۲	امام صادق <small>علیه السلام</small>	يَا أَبَانَ سَيَأْتِي اللَّهُ بِثَلَاثِينَ مِائَةً وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِي مَسْجِدِكُمْ هَذَا يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَخْلُقْ أَبَاؤُهُمْ وَ لَأَ أَجْدَادُهُمْ بَعْدَ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَيَّ كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ وَ حَلِيَّتُهُ وَ نَسَبُهُ ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيَنَادِي هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ عَلَيَّ ذَلِكَ بَيِّنَةٌ	محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۳- ۳۱۴.	پیوستگی و اتصال زنجیره سند ولی برخی راویان آن در رجال مجهول و تضعیف شده اند

ردیف	معصوم	متن روایت	منبع	ارزیابی
۱۳	امام صادق <small>علیه السلام</small>	سیأتي مسجدكم هذا يعني مكة ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا إلى أن قال: فتنادي بكل واد هذا المهدي يقضي بقضاء آل داوود لا يسأل عليه بينة	محمد بن علی (صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۴۳.	سند مذکور از بیوستگی اسناد برخوردار است ولی برخی راویان آن در رجال تضعیف شده‌اند
۱۴	امام صادق و امام کاظم <small>علیهما السلام</small>	لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِثَلَاثٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَ يُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأُظْلَةِ	محمد بن علی (صدوق)، خصال، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۲۳.	اتصال و بیوستگی راویان هر چند برخی راویان سند تضعیف شده‌اند

به رغم ضعف سندی روایات دسته دوم، به دلایل ذیل می‌توان آن‌ها را مورد توجه قرار داد:

الف) تعاضد مضمونی روایات که با اسانید و روایت مختلف نقل شده؛ که همه گویای یک مضمون هستند. با وجود این تعدد و تباعد، تبانی بر دروغ بعید می‌نماید.

ب) عدم امکان وجود داعیه دروغ گویی و کذب در این موضوع (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ص ۴۲، ش ۱۰).

ج) بعید نبودن ادعای تواتر اجمالی^۱ این اخبار.

با توجه به این‌که سند ده روایت، متصل و صحیح و موثق است و دیگر اخبار مربوط نیز موید این دیدگاه است؛ می‌توان ادعا کرد که اخبار باب حکم داوودی امام مهدی علیه السلام و اسانید روایات، «مستفیض» بوده و مستند روایی باب را تأمین می‌کند.

علاوه بر بررسی‌های سندی ذکر شده، دیدگاه علمای اسلامی در متواتر، مستفیض و موثق دانستن احادیث حکم کردن امام مهدی علیه السلام، به باطن می‌تواند ضعف دیدگاه مخالفان این احادیث مبنی بر خبر واحد شمردن و تضعیف سندی آن‌ها را نشان دهد: یکم. محمد تقی مجلسی (معروف به مجلسی اول) در کتاب روضه المتقین به تواتر روایات حکم داوودی تصریح می‌کند و اجرای آن را در زمان ظهور بر حضرت واجب می‌داند:

۱. «متواتر اجمالی» در صورتی است که چند روایت در یک موضوع وارد شده باشد و از نظر دلالت همسان نیستند؛ ولی از قدر مشترک برخوردارند که از مجموع آن‌ها به صدور یکی از آن‌ها قطع حاصل می‌شود (خویی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۹۲ و مودب، ۱۳۸۲: ص ۵۰).

«...وان كان لم يجب عليهم الا فى زمان الائمة كما ورد به الاخبار المتواترة بانه اذا ظهر الائمة يحكم بحكم آل داود و لا يسأل بينة (مجلسى اول، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۶۰ - ۵۹)؛ گرچه داوری به واقع بر آنان واجب نیست مگر در زمان حضرت قائم علیه السلام؛ آن گونه که اخبار متواتر آمده هنگامی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می کند، مانند آل داود قضاوت می کند و بینه نمی طلبد» (مجلسى، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۵۹-۶۰).

ایشان در کتاب لوامع صاحبقرانی، ضمن اشاره به قضاوت های ائمه علیهم السلام حکم کردن امام علیه السلام بر اساس باطن را موافق اخبار بسیار می داند (همان، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۷۲۴-۷۲۵). دوم. محمد باقر مجلسی در کتاب حیاة القلوب، احادیث حکم داودی را معتبر و فراوان می داند (مجلسى، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۹۰۸) و در شرح و توضیح حدیث سوم باب «فی الأئمة علیهم السلام أنهم إذا ظهر أمرهم حکموا بحکم داود و آل داود و لا یسألون البینة» از کتاب مرآة العقول، به موثق بودن روایت مذکور اشاره می کند (همان، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۰۳). سوم. محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، احادیث حکم داودی امام مهدی علیه السلام را صحیح^۱ می داند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۴۱). چهارم. سید کاظم حائری قضاوت قبل از قیام حضرت را طبق بینه و سوگند دانسته و می نویسد:

اخبار فراوانی دلالت بر این دارند که قضاوت بر طبق این علم [یعنی علم حاصل از الهام، وحی و مکاشفه مختص امام مهدی علیه السلام بعد از قیامشان می باشد (حائری، ۱۴۱۵: ص ۱۹۸).

پنجم. علی اکبر نهاوندی علاوه بر معتبر دانستن و کثرت احادیث حکم داودی امام مهدی علیه السلام (نهاوندی، ۱۳۸۶: ج ۸، ص ۵۳۲-۵۳۴) به صدور اخبار مستفیضه با این مضمون قائل می باشند (همان: ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۰).

۱. «قد روی فی الأخبار الصحیحة ان مولانا المهدی علیه السلام إذا ظهر حکم بحکم آل داود، و لا یسأل بینة بل یعمل بما یعلمه، و هذا الحکم من خواصه».

نتیجه گیری

مجموع روایات مربوط به داوری امام مهدی علیه السلام بر اساس باطن امور را از نظر اعتبار به دو دسته می توان تقسیم کرد:

۱. دسته نخست: روایاتی که راویان زنجیره سند آن تماما ثقه هستند و متن آن ها مسند و پیوسته و متصل از معصوم گزارش شده است که شامل ده حدیث می شود و در متن به آن ها اشاره شد. این دسته روایات مستفیض می باشند.
۲. دسته دوم: روایاتی که مرسل، مجهول یا ضعیف هستند؛ هرچند برخی اسانید آن ها مسند است.

با وجود ضعف سندی روایات دسته دوم، به دلایل ذیل می توان آن ها را مورد توجه قرار داد:
 الف) تعاضد مضمونی روایات که با اسانید و روات مختلف نقل شده و همه گویای یک مضمون هستند و با وجود این تعدد و تعامد، تبانی بر دروغ بعید می نماید؛
 ب) عدم امکان داعیه دروغ گویی و کذب در این موضوع؛
 ج) بعید نبودن ادعای تواتر اجمالی این اخبار.

در نتیجه با توجه به این که سند ده روایت، متصل و صحیح و موثق است و نیز با تاکید بر دیگر اخبار مربوط می توان ادعا کرد که اخبار باب حکم داوودی امام مهدی علیه السلام و اسانید روایات، مستفیض است و مستند روایی باب را تامین می کند.



منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللتالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، ج ۱، محقق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن باز، عبد العزیز بن عبد الله (بی تا). *فتاوی نور علی الدرب*، مؤسسه شیخ عبدالعزیز بن باز.
۳. اسفندیاری، رضا (تابستان ۱۳۸۸). «سیره مهدوی و دولت منتظر»، *مشرق موعود*، ش ۱۰، سال سوم.
۴. آیتی، نصر الله، (زمستان ۱۳۸۶). امام مهدی احیاگر شریعت، فصلنامه مشرق موعود، سال اول، شماره ۴، قم. مؤسسه آینده روشن.
۵. بحر العلوم، سید مهدی (۱۳۸۵). *رجال السید بحر العلوم*، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: مطبعة الآداب.
۶. برقی، أحمد (۱۴۲۰ق). *رجال الیرقی*، تحقیق: محمدجواد قیومی، قم، نشر اسلامی.
۷. حائری، ابوعلی محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق). *منتهی المقال*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۸. حائری، سید کاظم حسینی (۱۴۱۵ق). *التضاء فی الفقه الإسلامی*، قم، مجمع اندیشه اسلامی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی.
۱۰. حسینیان قمی، مهدی (بهار ۱۳۸). دفاع از روایات مهدویت (داوری داودی ۲)، *انتظار موعود*، ش ۱۵.
۱۱. حلّی، تقی الدین (حسن بن علی بن داوود) (بی تا). *رجال ابن داوود*، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف، حیدریه.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). *خلاصة الأقوال*، تحقیق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *معجم رجال الحدیث*، قم، مدینه العلم.
۱۴. _____ (۱۴۱۷). *مصباح الأصول*، مقرر: سید محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، قم، مکتبه الداوری.
۱۵. سیستانی، سید مرتضی (۱۴۳۲ق). *دولت کریمه امام زمان*، نشر الماس، قم.
۱۶. صدر، سید محمد (۱۳۸۴). تاریخ پس از ظهور، مترجم: سجادی پور، حسن، تهران، موعود عصر.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
۱۸. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، مصحح: کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.



۱۹. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی* (ط - الحدیثه)، قم، آل البيت عليه السلام.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الفهرست*، تحقیق: محمداصادق بحر العلوم، نجف، مکتبه المرآتیه.
۲۱. _____ (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال الکشی)*، تعلیق، میرداماد استرآبادی، تحقیق: سید مهدی رجالی، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲۲. _____ (۱۳۸۱ق). *رجال الشیخ الطوسی*، نجف، انتشارات حیدریه.
۲۳. _____ (۱۳۷۶). *العدة فی اصول الفقه*، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم، نشر ستاره.
۲۴. قزوینی، محمد کاظم (۱۴۲۷ق). *الإمام مهدی عليه السلام من المهد الی الظهور*، قم، دار الانصار.
۲۵. کامل سلیمان (۱۴۲۷ق). *یوم الخلاص فی ظل القائم - المهدی*، دار المجتبی، قم.
۲۶. الکجوری الشیرازی، مهدی (۱۴۲۴ق). *الفوائد الرجالیة*، تحقیق: محمد کاظم رحمان ستایش، قم، دار الحدیث.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۸. مامقانی، عبد الله (۱۳۱۱ق). *مقیاس الهدایة فی علم الدرایة*، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۹. محمد حمیل حمود (۱۴۲۱ق). *الفوائد المهیمة فی شرح العقائد الامامیة*، بیروت، مؤسسه العلمی.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۰ق). *الوجیزة فی الرجال*، محقق و مصحح: محمد کاظم رحمان ستایش، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. _____ (۱۳۸۴). *حیة القلوب*، قم، سرور.
۳۲. _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین*، محقق: سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهدادی و سید فضل الله طباطبائی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۳۴. _____ (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۵. مودب، سیدرضا (۱۳۸۲). *علم الدرایة تطبیقی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۶. مهدوی راد، محمد علی؛ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). *عطاء الله جباری، امیر؛ محمد بن سنان از وراي دیدگاه ها، حدیث پژوهی - شماره ۸*.

۳۷. مهدی پور، علی اکبر، (زمستان ۱۳۸۳). «بررسی چند حدیث شبه‌ناک درباره عدالت آفتاب عالم‌تاب»، *انتظار موعود*، سال چهارم، ش ۱۴.
۳۸. نجاشی، ابوالعباس (احمد بن علی) (۱۴۱۸ق). *رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی زنجانی، قم، نشر اسلامی.
۳۹. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۴۱. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۶). *العقیری الحسان*، محقق و مصحح: حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم، مسجد مقدس جمکران.



التحليل النقدي للضعف السندي للأحاديث الواردة عن قضاء وحكم

الإمام المهدي عليه السلام بالباطن

عبدالحسين خسرو بناه^١ محمد الزارعي^٢

لاشك ولا ريب فإن واحدة من المسائل والقضايا والمواضيع المهمة التي تتعلق بالقضية المهدوية هو موضوع «العدالة العالمية وآليات تطبيقها»، وهناك أدلة عقلية ونقلية وأثرة على ضرورة تحققها وإزالتها على أرض الواقع. ولم تتمكن الطرق والأساليب المتبعة في امر القضاء والتي تعتمد بشكل اساسي على الشاهد والبينة والإمارة على تطبيق الأجواء الصحيحة والواقعية للعدالة ومن أن تساهم في إضافة خاصية إبداعية وتعالج الضعف الحاصل، ومن هذا المنطلق فإن وجود الروايات الدالة على قضاء (حكم) الإمام المهدي عليه السلام بالباطن في المصادر الشيعية تأيد وتؤكد بشكل جلي على مسألة الطريقة والاكلية الجديدة للقضاء والتي تستند الى «العلم الشامل والواسع للإمام المعصوم».

وقد تناولت وطرحت هذه الدراسة والتي إستخدمت الاسلوب المكتبي وأستندت على الاسلوب السندي والتجزئة والتحليل الوصفي - التحليلي واحدة من أهم الاشكالات الواردة في مثل هكذا حكم وقضاء من جانب الإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام والتي جاءت في بعض المصادر الشيعية (يعني عدم وجود القطع وضعف الرواة في هذه الأحاديث) وأخذت على عاتقها الإجابة والدفاع عنها. وتنقسم مجموع الروايات التي تتعلق بحكم وقضاء الإمام المهدي عليه السلام بالباطن من حيث الإعتبار الى قسمين (الف) سلسلة رواة الحديث جميعهم ثقة وعدول والحديث مسند ومتصل بالإمام المعصوم ويمكن الإعتماد والوثوق بالروايات المذكورة وذلك بلحاظ السند ودلالة المضمون. (ب) الروايات المرسلة والمجهولة أو الضعيفة وبالطبع الحال يمكن وبدليل التعاضد المضموني وعدم إمكان وجود مقتضى الكذب في هذا الموضوع ان تقع في دائرة التوجهات والإهتمام.

وعلى أي حال ونظراً الى سند الروايات العشرة وكونه صحيحاً ومتصلاً وموثقاً وبقية الأخبار الواردة في هذا المضمار والتي تعاضد هذه الرؤية يمكن القول بأن الأخبار في باب قضاء الإمام المهدي عليه السلام وأسانيد الروايات هو امر مستفيض وكفي في الإطمئنان والإعتماد ويؤمن الإسناد الروائي لهذا الموضوع.

المصطلحات المحورية: العدالة، علم الإمام، القضاء بالباطن، السند، الوثيقة.

١. أستاذ في فرع الفلسفة والكلام في مركز الدراسات الثقافية والرؤية الإسلامية.

٢. أستاذ مساعد في قسم العلوم والمعارف الإسلامية في جامعة العلوم الطبية في مدينة زاهدان (الكاتب المسؤول).